

# نگاهی به سریال در حال پخش «بیست کووید» روایت کووید نوزده در «بیست کووید»

بمناز شریفی

روزنامه نگار

سراغ داریم، در این سریال هم مشاهده می شود؛ حتی نویسنده به خوبی توانسته رابطه میان داماد و برادر زن را نشان دهد و در بخش هایی از قصه به اختلافات ظاهری آنها هم اشاره کند. تلاش خواهرها برای سر و سامان دادن تنها برادرشان هم محور اصلی شکل گیری داستان «بیست کووید» است و انگیزه‌ای برای حضور نقش اول داستان در گروه جهادی و فعالیت داوطلبانه وی در زمان اوج گیری کروناست. آن چه که نمونه اش را در سریال های طنز دفاع مقدس هم دیده بودیم.

روزهای سخت کووید نوزده برای بینندگان تداعی شود. قصه زندگی خانواده محمد جواد در «بیست کووید» مشابه همان است که دور و بر خودمان و در خانواده های اطرافمان دیده ایم؛ داستان به ما بسیار نزدیک است و در برخی سکانس ها با آن همذات پنداری می کنیم. همچنین از این حیث می توان «بیست کووید» را در رده سریال هایی چون «پایتخت» و «نون خ» قرار داد. صمیمیت موجود در میان اعضای خانواده و جر و بحث ها و کل کل هایی که در هر جمع خانوادگی نمونه اش را

قصه «بیست کووید» نام سریال جدید کانال سه تلویزیون است که به روایت آنچه بر همگان در دوران جنگ تمام عیار همه گیری کووید نوزده گذشته، می پردازد تا مروری بررنج و سختی ها و گرفتاری هایی باشد که گریبانگیر هموطنان شد. قصه از بیان روزمرگی های یک خانواده مذهبی و نسبتاً متوسط ساکن مشهد آغاز می شود و پس از آن به مرور از طریق نشانی هایی که به زبان بازیگران نشسته است، موضوع کرونا هویدا می شود و داستان را وارد فصل جدیدی می کند تا



## خانواده ای با سبک پدرسالاری

اعضای خانواده هنگام صرف صبحانه، ناهار و شام به جای نشستن پشت میز غذا خوری، روی زمین دور سفره می نشینند و دختر متاهل خانواده که به همراه شوهر و دو فرزندش در واحد مجاور زندگی می کند، همیشه در خانه پدری دیده می شوند تا سبک پدرسالارانه و دورهم نشینی خانوادگی را به رخ بکشد. گلابه های همیشگی پدر خانواده نسبت به تعمیر صندلی میز ناهارخوری خانه توسط پسر و داماد که در کارگاه کوچک مجاور منزل به شغل شریف نجاری مشغولند هم تمامی ندارد و با همه این اختلافات و بگومگوها، ارتباط صمیمی و دلسوزانه شان با یکدیگر می تواند به عنوان الگوی آشنای خانواده ایرانی معرفی شود.

حتی در این سریال گریزی هم به تفاوت سطح اجتماعی خانواده محمد جواد با خانواده فرزانه زده شده و سبک زندگی ساده و متمول دو خانواده را در لایه های مختلف داستان نمایش داده و به تفاوت سلیقه فرهنگی دو خانواده نیز پرداخته است تا بتواند نحوه رویارویی با آن را هم بیان کند.

اشاره سریال به وضعیت گرانی بخصوص در حوزه فرهنگی که نمونه بارز آن را برای خرید تابلوی نقاشی فرزانه توسط محمد جواد می بینیم و دوندگی های بی نتیجه او و دوستش برای اخذ تسهیلات، از دیگر ظرافت های نویسنده است که می تواند تلنگری به مدیران باشد تا برای بهبود آن چاره اندیشی کنند.

## قهرمانی بی شیله پيله!

بی شیله پيله بودن محمد جواد را می توان به عنوان محوری ترین موضوع قصه مورد توجه قرار داد؛ بدین ترتیب که نقش اول داستان وقتی آگهی درگذشت فردی را بر ديوار بانک می بیند و متوجه شباهتش به کارمندی که چند روز پیش با او سرد عود داشته است می شود، به جای فرار به سراغش می رود تا ابعاد قضیه روشن شود.

قصه وقتی تماشایی تر می شود که فردی برای جلوگیری از پخش خارج از عرف فیلم درگیری محمد جواد با کارمند بانک از او طلب پول می کند و نقش اول سریال به جای تسلیم شدن، مقابل آن می ایستد و حاضر به پذیرش حرف زور نمی شود و برای روشنگری ماجرا اقدام می کند.

اگرچه داستان کرونا برای مخاطب تا زگی ندارد و قبل از «بیست کووید» هم آثاری با همین سبک و سیاق و در همین حوزه ساخته شده است، اما در این روایت موضوع متفاوت تر است و نویسنده تلاش کرده قصه ای جدید را در دل ماجرای کووید نوزده پیش چشم مخاطب بیاورد.

«بیست کووید» قرار نیست به مخاطب القا کند که محمد جواد برای خدمت به خلق و نجات جان انسان ها عازم جنگ تن به تن با کرونا شده است، بلکه می گوید اینجا فردی هم پیدا می شود که برای رسیدن به خواسته های شخصی خود که دریافت وام و راه اندازی کارخانه است، به سمت فعالیت های جهادی رفته است.

اگرچه در میانه های قصه و با حضور بیشتر محمد جواد در جریان کرونا شاهد دلواپسی ها و از خودگذشتگی های او در



سازندگان بیست کووید ضمن توجه به موضوعاتی که در بسیاری از خانواده های ایرانی به عنوان قانون و مقررات تعریف شده است، مشکلات و مسائل پیش روی خانواده ها هنگام اشتغال و ازدواج جوانان را با زبان طنز بیان کرده و در ادامه، ورود ویروس کرونا از چین و ابتلای عمومی به کووید نوزده را مطرح می کنند